

۹ ۹

د د  
۶ ۶



ماهنامه علمی و فرهنگی

۹

همه با سوادان برای درس دادن  
و همه بی سوادان برای درس  
خواندن به پا خیزند.

امام خمینی

بهمن ۱۳۵۸

سال اول. شماره نهم. بها ۱۰۰ ریال

## هدهد

### ماهنامه علمی و فرهنگی

مدیر و سردبیر: غلامحسین صدری افشار

زیر نظر شورای نویسندگان

(مسئولیت عقاید و افکار طرح شده در هر مقاله با نویسندگان آن است و نشر آن الزاماً بمفهوم تأیید کامل آن عقاید یا افکار نیست.)

بهای تکفروشی ۱۰۰ ریال  
حق اشتراک سالانه (۱۰ شماره) ۱۰۰۰ ریال

شماره حساب بانکی مدیر مجله ۷۳۶۵۹ بانک ملی

شعبه دانشگاه تهران

شماره تلفن ۹۳۸۹۲۴

نشانی پستی: تهران ۱۱، خیابان غزالی

کوچه کندوان، کاشی ۳۰

ساعات کار ۵ تا ۷ بعد از ظهر شنبه تا چهارشنبه

سال اول شماره نهم

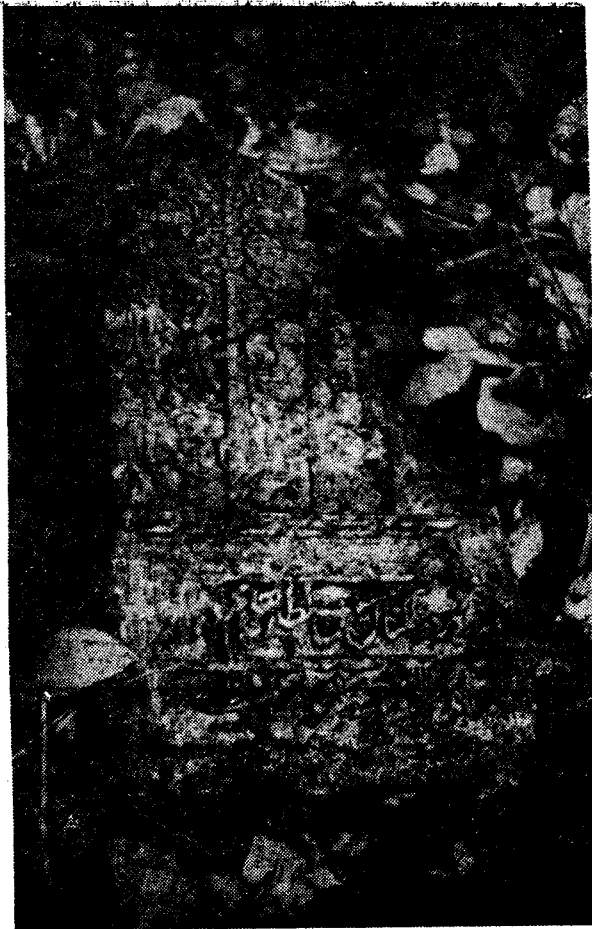
بهمین ۱۳۵۸

### فهرست

صفحه	عنوان
۱	سرمقاله
۲	گفتند و دیده‌ایم.... صدری افشار
۵	آیا علم می‌تواند جامعه را نجات دهد؟ ثرینگ ماری شیبائی
۱۹	شکارگاه همایونی (شعر) محمد زهری
۲۰	حساب و جبر اسلامی کارا دو وو احمد آرام
۲۸	مبانی فلسفی روان‌شناسی کورنیلوف قاسم زاده
۵۶	سال انقلاب اینفلد پرویز شهریاری
۷۵	قلعه رودخان محمد باقری
۸۲	کمک‌های اولیه دکتر مرادپور - دکتر ندیم
۱۰۰	معرفی کتاب (گزینۀ مقاله‌ها - گزیده مقالات تحقیقی - سیاحتنامه مسیو چریکف - عصر زرین فرهنگ ایران - ریاضیات، محتوی، روش و اهمیت آن)
۱۰۳	کتابهای در دست ترجمه
۱۰۳	معرفی چند نشریه

محمد باقری

## قلعه رودخان



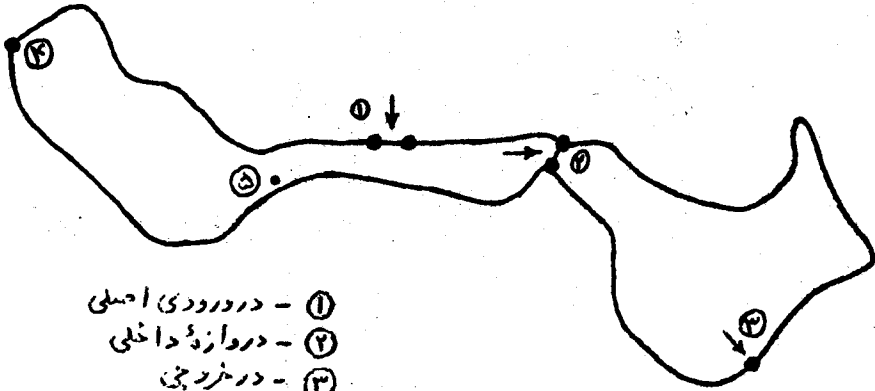
عکس کتیبه قلعه رودخان، که اینک شکسته و قطعات آن در اطراف پراکنده است

سرزمین گیلان به علت شرایط اقلیمی و موقعیت جغرافیایی مساعد، از دیرباز آباد و پرجمعیت و به همین خاطر غالباً عرصه کشمکش‌های گوناگون بوده است. اما مهاجمانی که به سودای تسخیر سرزمین‌های آباد و پر نعمت به ایران می‌تاختند در راه رسیدن به گیلان با رشته‌کوه‌های البرز مواجه می‌شدند که چون دیوار محکمی سراسر دشت گیلان را از طرف جنوب حفاظت می‌کند. این کوهستان‌ها در طول تاریخ همیشه صحنه برخوردها و لشکرکشی‌ها بوده است و مردمی که در این کوهستان‌ها بسر می‌بردند، شهامت و قدرت جنگاوری خود را در نبرد علیه ستمگران و متجاوزان، در کوه و جنگل آشکار کرده‌اند. از این رهگذر در بسیاری از نقاط این رشته کوه‌ها، قلعه‌هایی به جای مانده که در خاموشی خود اسرار هزاران رنگ و نیرنگ و حکایت بی‌پایان جانبازی‌ها و دلاوری‌های بی‌شمار را نهفته دارند.

یکی از این قلعه‌ها که نسبتاً گمنام باقی مانده، قلعه‌ای است در جنوب شرقی فومن

## نقشه کلی در قلع رودخان

شمال ↑

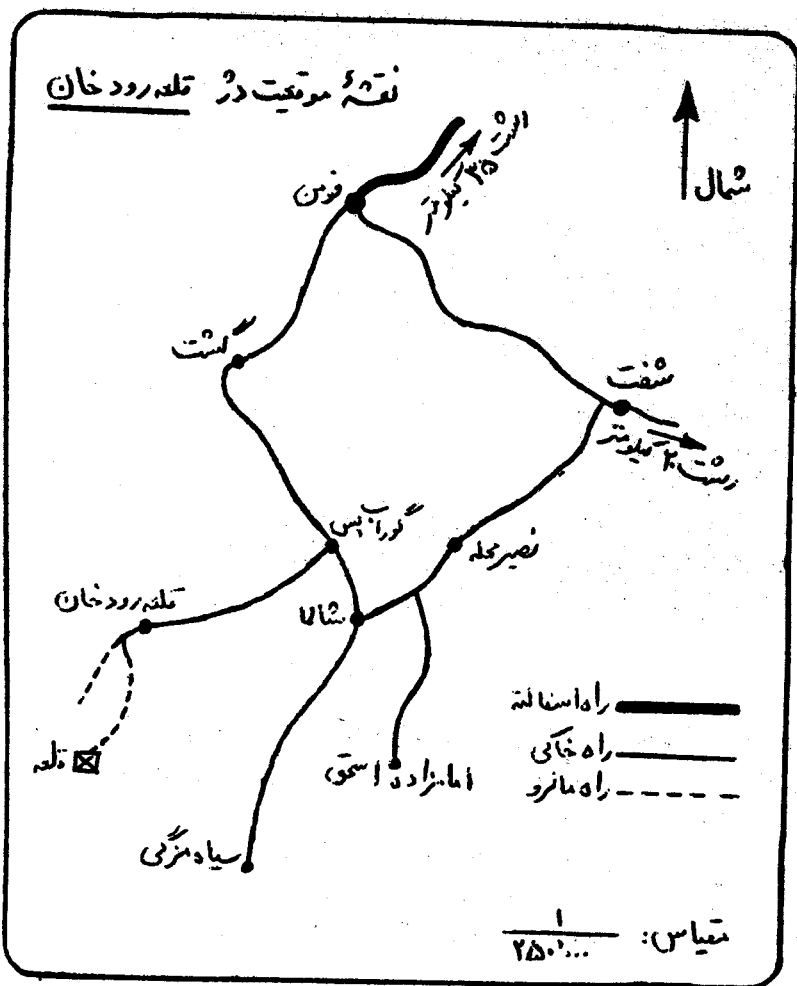


- ① - در رودی اصلی
- ② - دروازه داخلی
- ③ - در نزدیکی
- ④ - شاه نشین
- ⑤ - چشمه

مقیاس:  $\frac{1}{5000}$

که «قلعه رودخان» نامیده می‌شود. ۱ برای رفتن به این قلعه باید از فومن به آبادی قلعه رودخان و از آنجا با دوساعت راه پیمایی در مسیری زیبا و دیدنی به دیدار قلعه رفت. فاصله رشت تا فومن ۳۵ کیلومتر جاده آسفالت و از فومن تا آبادی قلعه رودخان ۲۵ کیلومتر جاده خاکی است. فاصله آبادی تا قلعه هفت کیلومتر است که قسمتی از ابتدای آن در فصل مناسب با جیب قابل عبور است. (به نقشه موقعیت قلعه در شکل ۱ نگاه کنید.) ارتفاع قلعه از سطح دریا ۶۸۵ متر است.

قلعه رودخان، اسمی که در حال حاضر به این قلعه اطلاق می‌شود، نام اصلی آن نیست. قلعه رودخان از نظر ترکیب لغوی به معنی «رودخانه منسوب به قلعه» است و نام رودخانه‌ای است که از نزدیکی قلعه و سپس از کنار آبادی قلعه رودخان - که نام خود را از رودخانه گرفته می‌گذرد و پس از پیوستن با رودهای دیگر، از طریق مرداب انزلی به دریای خزر می‌ریزد. در کتیبه‌های مربوط به این قلعه که بعداً به شرح آن خواهیم پرداخت نام این قلعه «حصامی» ذکر شده است. در پرس و جو از روستاییان ساکن آن نواحی، معلوم شد که آنها اسم قلعه را «سکسال» (یا سکسار) ۲ می‌دانند و می‌گویند که روی کتیبه مربوط به قلعه این جمله حک شده است: «گنج قلعه بسیار است ولی کار هر شغال نیست». مطلب اخیر بی‌شک ناشی از تصورات و اوهام در مورد قلعه است و پایه و اساسی ندارد. اما در مورد نامی که اهالی برای قلعه ذکر می‌کنند جای تعمق و دقت وجود



دارد. زیرا در قلاع دیگری در نقاط دیگر ایران نیز به نام‌هایی شبیه به همین نام بر می‌خوریم که بعید نیست ارتباطی میان آنها در کار باشد.  
 نقشه کلی قلعه در شکل ۲ نشان داده شده است. طول قلعه حدود ۵۰۰ متر است. در ساختمان این قلعه سنگ و ساروج (برای برج و باروها) و آجر و ملاط آهک (برای طاقها و اطاقها) به کار رفته است. در نقاط متعددی دورادور قلعه اطاقهای دوطبقه ساخته شده است. در ورودی قلعه در محل گردنه بین دو قلعه کوچک قرار دارد. منتهی‌الیه سمت راست که بلندترین نقطه قلعه است «شاه‌نشین» قلعه خوانده می‌شود. با توجه به وضعیت و آثار باقی مانده در آن، معقول به نظر می‌رسد که این محل مخصوص کوتوال قلعه بوده باشد. برای رفتن به بخشی از قلعه که در سمت چپ قلعه در ورودی واقع است باید از دروازه دیگری، که مشابه دروازه ورودی است، عبور کرد. در منتهی‌الیه سمت چپ



در ورودی قلعه رودخان

قلعه در خروجی کوچکی وجود دارد که «دزده‌در» (در دزد یا درمخفی) نامیده می‌شود و احتمالاً فقط در مواقع اضطراری مورد استفاده قرار می‌گرفته است و به‌علت وجود صخره شیب‌دار در زیر آن، رفتن به درون قلعه از این راه نسبتاً دشوار است. یک نکته عجیب در معماری قلعه این است که امتداد چاله‌های دو مستراح مجاور عمود برهم است، حال آنکه در سرزمینهای اسلامی چاله‌های مستراح را به موازات یکدیگر و طوری می‌سازند که در امتداد قبله قرار بگیرند. در اکثر نقاط ایران، معمولاً این چاله‌ها شرقی-غربی ساخته می‌شود.

در نزدیکی در ورودی قلعه چشمه آب کوچکی وجود دارد که آب آن در آب انباری که با دقت و ظرافت ساخته شده می‌ریزد. قاعدتاً با توجه به موقعیت کوه‌های اطراف، این باید یک چشمه آرتزین باشد. در این مورد افسانه‌ای وجود دارد که می‌گویند برای تأمین آب، از بیلاقی که در خط‌الراس البرز و در مسافت نسبتاً دوری از قلعه واقع است، به این قلعه راه آب زیرزمینی کشیده شده است.

تا چند سال پیش کتیبه‌ای به شکل مکعب مستطیل با ابعاد تقریبی ۸۰ سانتی‌متر در ۳۰ سانتی‌متر در ۳۰ سانتی‌متر، در برابر در ورودی قلعه به زمین افتاده بود. در چند ساله اخیر این کتیبه در جای همیشگی خود یافت نمی‌شد و دو سال پیش قطعه‌ای از آن در محلی حدود ۲۰۰ متر پایین‌تر از در ورودی در انتهای یک شیب تند و در نزدیکی رودخانه کوچکی که از انتهای دره شمالی قلعه می‌گذرد دیده شده است که در زیر بوته‌های



نقش يك ستاره شش پر بر پشت كتيبه قلعه رودخان

خار پنهان و یافتن آن دشوار بود. امید است که مقامات مسئول و ذیصلاح به این موضوع توجه کنند، زیرا با گذشت زمان امکان آن هست که قطعات باقی مانده در زیر خاک مدفون یا به دست سیلاب‌های رودخانه به کلی درهم شکسته و برده شود. در کتاب «از آستارا تا استارباد» تالیف آقای منوچهر ستوده عبارات حک شده روی کتیبه چنین آمده است: [«علاءالدین اسحقی خلد ملکه و سلطانہ در تاریخ ثمان عشر و تسعمایه این قلعه مبارکه را که مسمی به قلعه حسامی است و هرگز درجه تعمیر نیافته... ۹۱۸ دانا چون دشمن خوی هرزه جوی... خویش اظهار کند و عهد...» باقی مطالب کتیبه فرسوده شده و از میان رفته است.]

«الکساندر خودزکو»<sup>۲</sup> می‌نویسد: [قلعه رودخان دژی است بر بالای کوهی در قسمت علیای رودخانه‌ای به همین نام. باروی آن از سنگ و آجر است. طرفین در ورودی دوبرج دفاعی مستحکم است. بر بالای در کتیبه‌ای است که مطالب زیر بر سنگی حک شده است:

«این قلعه که به نام قلعه حسامی است نخستین بار در سال نهصد و هجده تا سال نهصد و بیست و یک به امر سلطان حسام‌الدین بن امیره دباچ بن امیره علاءالدین اسحقی تجدید بنا شد. این کتیبه را کمال‌الدین بن محمد گیلانی نوشت. عبارات آن از خان احمد شیروانی و تحریر آن از ابن حسین الخراسانی است.» (این عبارات ترجمه از کتاب

را یسنوی فرانسوی دربارهٔ گیلان می‌باشد و طبعاً عین متن کتیبه نیست.) هدایت‌خان هنگام قیام علیه کریم‌خان زند به تعمیر قلعه پرداخت و توبه‌هایی در آنجا نصب کرد. [در رویهٔ دیگر کتیبه يك ستارهٔ شش‌پر در داخل دایره‌ای حک شده است. این قلعه که سرنوك تپهٔ بلندی ساخته شده، از سمت شمال مشرف است به دشت گیلان و از سمت جنوب به کوه‌های رشتهٔ طوالش که همان بخش غربی البرز است، می‌رسد. گرچه خرابی‌هایی که نتیجهٔ رویش گیاهان و درخت‌ها و اثر رطوبت و برف و باران است در ویرانی این قلعه تأثیر زیادی داشته، بر همهٔ اینها باید کار کسانی را که به طمع گنج گوشه و کنار قلعه را کنده‌اند، افزود، اما قسمت‌های اصلی قلعه همچنان محکم و استوار برجای مانده و از نظر دقت و مهارت در معماری قابل توجه است. در کتاب «از آستارا تا استارباد» در بارهٔ این قلعه آمده است: [«دژی که به نام قلعه رودخان خوانده می‌شود، سومین بنا از بناهای عجیب هفتگانهٔ گیلان است. نگارنده که دژهای زیادی را دیده و مطالعه کرده، تاکنون دژی به این عظمت و استحکام ندیده است. شاید بتوان این دژ را یکی از دژهای عجیب ایران دانست. تنها دژی که می‌تواند برابر و همسر او باشد قلعهٔ اصطخر فارس است. دژهای خراسان و الموت و رودبار و طارم و زنجان در مقابل این دژ بسیار کوچک و ناچیزند و شاید مساحت ده دوازده دژ این صفحات مساوی اراضی قلعه رودخان باشد»].

چوپان‌هایی که در آغاز بهار گله‌هایشان را از دشت گیلان به بیلاق می‌برند تا از مراتع غنی آنجا برای تغذیهٔ دام‌ها استفاده کنند هنگام عبور از حوالی قلعه شب را در اتاق‌های آن بسر می‌برند. همچنین است هنگام بازگشت به دشت گیلان که در آغاز پاییز صورت می‌گیرد.

در سال‌های اخیر این قلعه بیشتر شناخته شده و مورد بازدید عدهٔ بیشتری قرار می‌گیرد. فیلمی هم از این قلعه تهیه و از تلویزیون گیلان پخش شده است. جای آن دارد که در زمان مناسب فکری به حال ویرانی سریع قلعه بشود تا این اثر با ارزش برای دیدار و تحقیق علاقه‌مندان و کارشناسان برجای بماند.

#### «توضیحات»

۱- با اینکه قلعه رودخان مدتی پایتخت سلطنت و مرکز حکمرانی حکام گیلان بیهس (غرب سفیدرود) بوده، در متون تاریخی و جغرافیایی موجود، از این قلعه نامی به میان نیامده است. تنها عبدالفتاح لومنی يك بار در کتاب تاریخ گیلان از کوه قلعه رودخان یاد می‌کند و می‌نویسد که: امیره شاهرخ و کامیاب، پسران امیره سالار و بنی‌اعمام حسین‌خان بودند به دستور حسن‌خان کهدمی در کوه قلعه رودخان کشته شدند. (از آستارا تا استارباد، صفحه ۱۵۷)

۲- در فرهنگ جغرافیایی ایران نیز چنین آمده است: قلعه رودخان ده، جزء دهستان مرکزی



شهرستان فومن، ۱۲ کیلومتری جنوب شهر فومن، قلعه‌ای قدیمی دارد که به سکار معروف است. این قلعه در حدود ۳ کیلومتری جنوب آبادی روی کله کوه بنا گردیده است.

در کتاب جغرافیای گیلان نوشته م.م. لاهیجانی چاپ نجف (۱۹۶۹) صفحه ۲۱۶ آمده است: [در قریه رودخان فومن يك قلعه قدیمی به نام سكال یا صلصال (با دو صاد) و یا سلسال (با دو سین) باقی است که تاریخ بناء آن را به دوهزار سال نسبت می دهند ولی آنچه محقق است در عصر امیرحسام الدین فومنی که از سلاطین عصر خود بوده آنرا تعمیر کرده است.]

۳- درحوالی کرج، در نزدیکی ده «ارنگه» قلعه‌ای به نام «شاه‌دز» وجود دارد. اهالی این قلعه را به صلصال نامی نسبت می دهند که به مخالفت با حکومت وقت برخاست و دست به دزدی و راهزنی دراز کرد و سرانجام شاه وقت به همراه سپاهیان و به یاری خیانت اطرافیان صلصال شبانه به درون قلعه راه می یابد و صلصال و رفیقان او را می کشند و آتش این فتنه را خاموش می کنند. (قلاع اسماعیلیه در رشته کوه‌های البرز، نوشته منوچهر ستوده، صفحه ۱۳۳)

در اطراف هشتر نیز در نزدیکی آبادی لیسار قلعه‌ای به نام قلعه «ساسان» وجود دارد که بعید نیست از نظر لغوی تغییر شکل یافته سکار باشد یا این هر دو تغییر یافته نام اصلی تری باشند که اکنون اطلاعی درباره آن نداریم.

۴- الکساندر خودزکو A. Chodzko (۱۸۵۴-۹۱) محقق لهستانی الاصل بود که در سال‌های ۱۸۳۵ در عصر سلطنت محمدشاه قاجار به عنوان کنسول روسیه در رشت خدمت می کرد. وی بعدها از خدمات سیاسی کناره گرفت، مفیم پاریس شد و بقیه عمر خود را وقف کارهای علمی و ادبی کرد. اثری از وی به نام سرزمین گیلان توسط آقای سیروس سهامی به فارسی ترجمه و منتشر شده است. (تلفظ صحیح خوجکو). از آثار دیگرش «نمایش در ایران» است.

۵- این کتاب با نام ولایات دارالمرز گیلان با ترجمه آقای جعفر خمایی زاده به چاپ رسیده است.

### خواندنی

پس از آنکه مؤسسه استانفورد ساختن اولین دستگاه فکرخوانی خود را چندماه پیش در جهان اعلام نمود. بلافاصله به آن اطلاع داد که کتاب حس ششم ما شش سال پیش طرح این دستگاه را اعلام نموده و اطلاعات این اداره بر اصل موجود بودن این دستگاه استوار است و رنه‌یک مهندس ایرانی چطور به وجود چنین دستگاهی پس می برد. و از همه مهمتر در عین حال که می رساند مؤسسه تحقیقاتی ما حداقل از شما جلوتر است، حاضریم اطلاعات بیشتری از وجود این دستگاه‌ها را در اختیار شما بگذاریم.

اگر مؤسسه استانفورد به شما جواب داد به ما هم جواب داد. آکادمی علوم اتحاد شوروی سوسیالیستی!! هم همین کار را فرمود!! ما می دانیم حضرات تصمیم گرفته اند اینطور وانمود کنند که چنین دستگاه‌هایی در دنیا وجود ندارد و کتابهای مهندس غلامرضا اربابی!! راهنمای مؤسسات تحقیقاتی جهان شده و تازه دارند یکی پس از دیگری این دستگاه‌ها را می سازند!!

دستگاههای کنترل کننده مغز انسان «هدایت کننده بشر» (صفحه ۲۷۸) تألیف غلامرضا اربابی. از انتشارات گروه فرهنگی اربابی ۳۵۷ صفحه، بدون تاریخ.